

وقتی قانونی ناعادلانه است باید آن را نقض کنید.

در این شماره....

- دموکراسی با طعم قدرت ۵۰ درصد و دیگر هیچ!
- نقد فیلم ساعات آباد
- گزارش ارسالی
- اخبار دختران
- پیام تسلیت
- آیا می دانید

ما..... عصیانگریم این آغاز عصیان است. ما صدای دختران و زنانی هستیم که سالهاست زیر فشار قوانین مذهبی و ضد زن و مرد سالارانه جامعه و خانواده له شده اند. آمده ایم تا علیه این ستمها بایستیم. تلاش می کنیم تا آگاهی را نسبت به این ستمها و تفکر پشت آن را اشاعه دهیم.



دموکراسی با طعم قدرت ۵۰ درصد

و دیگر هیچ!

روشنک مینو

یازدهم فروردین سال جاری، تشکیلی تحت عنوان «اتحاد زنان ایران برای دموکراسی» اعلام موجودیت نمود که هدف خود را تحقق دموکراسی و افزایش نقش زنان در قدرت سیاسی قرار داده است. این تشکل نقطه‌ی عطف شکل‌گیری خود را وقایعی چون جنبش مردم در سال ۸۸ و بهار عربی می‌داند و در بیانیه‌ی اعلام موجودیت خود می‌نویسد: «به رغم مشارکت بالای زنان در تحولات بهار عربی، تغییرات سیاسی بدست مردان هدایت می‌شود و تلاش می‌شود تا زنان باهمه تلاش‌ها و مقاومت‌هایشان در بطن این تحولات، پیاده نظام باقی بمانند» و بر همین اساس اعتقاد دارند تا زنان به صورت جدی در عرصه سیاسی حضور نداشته باشند، نخواهند توانست اقدامی را به نفع زنان انجام دهند.

با نگاهی به مؤسسين این تشکل در می‌یابیم همان کسانی که یک روزی با استفاده از اصلاح درونی نظام جمهوری اسلامی می‌خواستند حقوق زنان را تأمین کنند و مدعی بودند که اسلام با حقوق زنان منافاتی ندارد و یا کسانی که در بیانیه‌ی حقوق بشر سازمان ملل، منافع زنان را پی می‌گرفتند امروز می‌گویند، موضع تشکل آنها، گذار کامل از جمهوری اسلامی، انحلال این رژیم و رفتن به سمت استقرار یک حکومت دموکراتیک و سکولار در ایران است... آنها با نیروهایی که خواهان حفظ جمهوری اسلامی هستند، قاعدتا نمی‌توانند همکاری داشته باشند. شکل‌گیری بهار عربی در منطقه از یک سو و حضور گسترده‌ی دخترانی که در صف مقدم مبارزات پس از انتخابات بودند هشدار برای این طیف است که نیروی عظیم تغییرات آتی در جامعه ایران زنان‌اند و زمان آن فرا رسیده تا با ایجاد تشکلی فراگیر از میان این نیروهای رادیکال و در ضدیت با جمهوری اسلامی، مهر تغییرات آتی را به نام خود ثبت کنند. اما سیاست حاکم بر هر تشکل و هدفی که دنبال می‌کند ماهیت واقعی آن را نشان می‌دهد. اینکه هر مجموعه‌ای مدعی ضدیت با جمهوری اسلامی باشد دلیل بر رادیکال بودن و انقلابی بودن آن نیست. اینها کماکان رهایی زنان ایران را در تحقق مطالبات مقطعی زنان از بالا می‌بینند. همچنان به پایبندی و اجرای موازین نهادهای بین‌المللی تاکید می‌ورزند. حال که دستشان از اصلاح طلبان وقت کوتاه شده و بوی تغییر به مشام‌شان رسیده

اینکه به صراحت بیان نکرده‌اند اما با توجه به موسسین آن و مهم‌تر از آن با توجه به سیاست حاکم بر مجموعه، در ادامه‌ی راه و سیاست‌های کمپین یک میلیون امضا و پس از آن هم‌گرایی زنان تشکیل شده است. کسانی که به خوبی برای آنهايي که ستم بر زن دغدغه‌شان است آشنا هستند.

آنها در دفاع از گذشته فعالین آن مجموعه‌ها معتقدند «ممنوعیت تشکیل احزاب و تعریف حکومت از فعالیت سیاسی به مثابه بر اندازی، فعالین را وادار می‌کند که بگویند کارمان غیر سیاسی است». اما این تنها توجیهی بی‌پایه است چرا که به جز تشکلات زنان چپ که فرم مخفی داشته‌اند و ضدیت‌شان با حکومت مسجل بود و قطعا نگارنده این جمله مقصودش آنها نیست، بقیه تشکلات زنان همه در قالب حکومت پدید آمدند و هیچگاه مدعی نبودند که قصد براندازی دارند و اتفاقا سیاست‌هایشان در راستای سیاست‌های حاکم و در چارچوبی کاملا مطابق با قوانین حکومت بود و حداکثر رادیکالیسم آنان تلاش برای اصلاح نه چندان پر اهمیت یکسری قوانین بود که آن هم به نتیجه نرسید و خود آنها آشکارا مدعی بودند که اصلا مشکلی با سیاست و مذهب ندارند و نیازی به وادار کردن آنها نبود و حضور زنان حکومتی و جلب اعتماد آیت‌الله‌های حکومتی مهر تأییدی بر همه اینهاست. در جایی دیگر «آزاد» معتقد است که فعالیت جنبش زنان در کشور تا سطح شبکه‌ای فراگیر، افقی و شبه سازمانی گسترش پیدا کرد و در اعتراضات سال ۸۸ از سطح به عمق نفوذ کرد. تحلیل این جملات هم آشکار کننده نکات مهمی است. اول اینکه معتقد بودن به مدل شبکه‌ای و افقی یعنی هم سطح بودن همه و معتقد نبودن به رهبریت از تزه‌های مهم موسوی و رهبران جنبش سبز است، در حالیکه خودشان در عمل به آن معتقد نبودند و سعی داشتند که رهبری مبارزات مردم را در دست داشته باشند، دوم اینکه این تیز در تئوری و پراتیک به بن بست می‌رسد که توضیح بیشتر از حوصله این بحث خارج است. اما همه اینها از یکسو نشان دهنده دنباله روی «آزاد» از آنها است و از سوی دیگر نمایانگر این است که بیشتر از اینکه ستم بر زن برای آنها اهمیت داشته باشد دستاویزیست برای به قدرت رسیدن آنها. در اعتراضات ۸۸ علیرغم حضور حداکثری زنان که خودبه‌خودی بود و ناشی از سال‌ها سرکوب آنها در جامعه، اما کسانی که مدعی رهبری بودند حتی یک شعار در راستای ستم بر زن ارائه نکردند و قبل‌تر از آن افق‌شان محدود به حمایت از این کاندیدا و آن کاندیدا و طرح مطالبات‌شان از آنها. کاندیداهایی که جزیی از این حکومت زن‌ستیز و مردسالار بودند و مطالباتی که اثری از رهایی زن در آن موجود نبود. پس چگونه می‌توان مدعی بود که جنبش

می‌خواهند در نظام آتی جایی بدست آورند. برای آنها حل مسئله زنان در حضور حداکثری آنها در قدرت سیاسی کشور می‌باشد و این حضور در عرصه‌های مختلف به میزان توسعه یافتگی کشورها و نرخ دموکراسی در ساختار سیاسی آنان مربوط است و در این میان از حضور و موفقیت زنان اروپا و خصوصا کشورهای اسکاندیناوی به عنوان الگو نام می‌برند. برای آگاهی خوانندگان در اینباره نگاهی به آمار می‌اندازیم. در کشور پرتغال ۵۲٫۸ درصد زنان صریحا اعلام کرده‌اند که از سوی همسران، معشوقان و یا یاران خود مورد خشونت قرار گرفته‌اند. در آلمان در هر



۴ روز ۳ زن توسط مردان زندگی خود به قتل می‌رسند. یعنی بالغ بر ۳۰۰ قتل در سال. در انگلستان هر ۳ روز ۱ زن در همین شرایط کشته می‌شود. در ایتالیا ۱ زن هر ۴ روز. یعنی حدود ۱۰۰ زن کشته می‌شوند در سال. در فرانسه هر ۵ روز یک زن در اثر خشونت‌های خانگی به قتل می‌رسد. یک سوم این زن‌کشی‌ها با سلاح سرد و یک سوم دیگر با اسلحه گرم صورت می‌گیرد. ۲۰ درصد خفه می‌شوند و ۱۰ درصد تا حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. در مجموعه ۱۵ کشور اتحادیه اروپا (قبل از گسترش آن به ۲۵ کشور) بیش از ۶۰۰ زن در سال یعنی نزدیک به دو زن در روز در اثر خشونت‌های کانون خانواده جان می‌دهند. رومانی در میان کشورهای اروپایی کشوری است که در آن خشونت خانگی نسبت به زنان حادثتر است. در صدر کشورهای زن‌کش بعد از رومانی، فنلاند قرار دارد. بعد از آن نروژ، لوکزامبورگ، دانمارک، سوئد، ایتالیا، پرتغال و ایرلند در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند.

پس آلترناتیو حضور زنان در سیاست نه تنها راه حل رهایی زنان نیست بلکه در کشورهای زن‌ستیز، خواسته زنان طبقات حاکم است. «اتحاد زنان برای دموکراسی» یا «آزاد» علیرغم

ادامه‌ی سعادت آباد

در نهایت نیز به شوربختی خود به عنوان یک زن در جامعه‌ی مردسالار تن می‌دهند.

یاسی که به نظر می‌رسد بیشتر از دو زن دیگر داستان از زندگی خود، خشنود به نظر می‌رسد و حتی آن را به زبان می‌آورد می‌داند که حقیقت چیز دیگری است. آنقدر مردد است که حتی بارداری دومین فرزندش را به محسن نمی‌گوید. تهمینه دیگر انگیزه‌ای برای ادامه رابطه با همسرش نمی‌بیند و لاله کلافه از استرس‌های مکرری که همسرش به او تحمیل می‌کند به خوبی می‌داند

زندگی‌اش هر چه دارد جای خوشبختی در آن خالی است. خوشبختی که در بسیاری از زندگی‌ها به مدد از خود بیگانگی جهان سرمایه، گم شده اما هیچ‌گاه حاضر نیستیم به آن اعتراف کنیم چرا که رقابت در دنیای امروز را از کودکی و در مدرسه به لطف نمره و کنکور و پس از آن برای یافتن کار و ... آموخته‌ایم و اینک چنان بخش بزرگی از زندگی ما در بر می‌گیرد که گویی در اوج استیصال نیز بر اساس آن رقابت باید به خوشبختی تظاهر کنیم تا از دیگران عقب نمانیم.

با آنکه موضوع فیلم از مباحث بسیار مهم جامعه امروز است اما چنان خنثی به پایان فیلم می‌رسیم که بیننده غمگین از استیصال زنان دنیای امروز، سینما را ترک می‌کند بدون روزنه‌ی امید برای تغییر. زمانی که لاله علی رغم سوزش کشیده‌ای که دست بی‌مهر علی بر صورت او نواخته، مردد و مغموم کلید در را می‌چرخاند و دوباره می‌بندد لحظه‌ای احساس می‌کنی، تغییر در راه است اما چه سود که لاله دوباره در می‌گشاید تا آندوه مکرر زندگی مملو از استرس‌اش را فردا از نو آغاز کند ولو در حاشیه‌ی تاریک یک زندگی مشترک. تهمینه نیز همانطور که بحث مالی او را سال‌ها پیش با همسرش آشنا کرده بود چه بهانه‌ای بهتر از اختلاف مالی برای گسستن آخرین پیوندهای مهر می‌تواند بیابد و متذکر شود تنهایی امروزم فردا عمیق‌تر خواهد بود. یاسی زنی که خسته از یک روز پرکار و ملول از دروغ و مکر همسرش در نهایت تنهایی تصمیم به نگاه داشتن جنینش می‌کند، با ریختن لیوان آبی در گلدان زندگی و نوازش زخمی که یادآور یک روز بی‌لذت است، می‌پذیرد که گیاه زندگی مشترک‌اش را با وجود همه‌ی دردی که به بار می‌آورد باید حفظ کرد. سعادت‌آباد و بازیگرانش، نشانگر جامعه پریشان و از هم گسیخته‌ی مردم ایران است. §

این جملات نشان دهنده‌ی تناقض در ادعای استقلال جنبش زنان و نشان دهنده‌ی اعتقاد به وابستگی زنان به مردان است. منوط کردن تحقق برابری بین زن و مرد به پذیرش همراهی مردان، منجر به غیر فعال کردن جنبش زنان می‌شود.

در مجموع این تشکل با عنوان تشکلی فرا حزبی بدون خط و برنامه‌ای جامع در ارتباط با چشم‌انداز جمهوری دموکراسی وعده داده شده، تنها بر سهم ۵۰ درصدی در قدرت تکیه می‌کند. آیا حضور زنان در ساختار قدرت بدون آگاهی نسبت به حقوق حداکثری زنان (برخلاف منافع زنان طبقات بالا) نتیجه‌ای جز وزرای زن، نمایندگان زن و سایر زنانی خواهد داشت که در ساختار کنونی حضور دارند؟

این افراد هدفی جز منحرف کردن پتانسیل جنبش زنان به سوی تغییرات نرمی که از سوی اپوزیسیون راست خارج از کشور در حال برنامه ریزی است نمی‌باشد و تلاش دارد تا با تقلیل دادن مطالبات زنان به مطالبه از سوی قدرت‌های حاکم مانع از انقلاب مردمی یا هر گونه تغییر رادیکال با حضور حداکثری زنان گردد. اما نباید افق مان را محدود کنیم. چرا که این راه و صف اکثریت زنان نیست. §

آیا می‌دانید ... زنان مشروطه

بیشتر از ۱۰۰ سال پیش، فعالیت زنان مشروطه‌خواه در داخل کشور عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گرفت که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: مبارزه‌ی تبلیغاتی و افشاگری، حمایت مالی از مبارزه‌ی مشروطه‌خواهان و شرکت در مبارزه‌ی مسلحانه. همانطور که در ابتدا مقاومت مشروطه‌خواهان در برابر نیروهای محمدعلی شاه محدود به تبریز بود، فعالیت‌های مبارزاتی زنان نیز در ابتدا به زنان تبریز محدود می‌شد. §



زنان از سطح به عمق نفوذ کرده بود. ناگفته نماند که همان مطالبات اکنون مطالبات تشکل «اتحاد زنان برای دموکراسی» نیز هست.

بدیل سیاسی

ویکتوریا آزاد از مؤسسين این تشکل در مقاله‌ای تحت عنوان «زنان در سیاست» می‌نویسد: «تجربه کشورهای غرب نیز نشان می‌دهد که هر آن زمان که تغییرات ساختاری به خصوص فرهنگی بسود زنان صورت نگیرد کماکان مردسالاری نقش خود را ایفا می‌کند ... واقعیت این است که ما نمی‌توانیم به انتظار آن روز باشیم تا تحولی اساسی در ساختار اقتصادی و سیاسی کشور رخ دهد و دستی از آسمان بیرون آید و سرنوشت زنان را دگرگون سازد. برای احقاق حقوق شهروندی نیاز به چالش است و در این چالش زنان می‌بایست سهیم و برای خود وزنه‌ای باشند» این جملات نشان دهنده‌ی تضادی اساسی در نگرش نگارنده است از یک سو ریشه کن شدن مردسالاری را در تغییراتی ساختاری معرفی می‌کند از سوی دیگر تغییرات ساختاری را با آمدن دستی از آسمان یکی می‌گیرد و از سوی دیگر مصالحه و مذاکره رابه عنوان آلت‌ناتیو می‌پذیرد. وی سه گام اساسی را برای رسیدن به دموکراسی جلو می‌گذارد:

۱ - تغییر نگاه عمومی نسبت به نقش‌های سنتی زن و مرد

آیا دستیابی به این مهم از طریق مذاکره با قانونگذاران ممکن است؟ خیر، ما با به دست آوردن نیمی از مسند قانونگذاری هم نمی‌توانیم این رویه را به ضد خود بدل کنیم. اما با بردن آگاهی انقلابی به میان توده‌ها می‌توان در تغییر نگرش ضد زن آنها گام برداشت.

۲ - تلاش برای حضور در عرصه کار اجتماعی، تولیدی و مدیریتی است (حق کار و معیشت) آیا زنان حق کار ندارند؟ این که نیاز به تلاش ندارد. به یمن نظام سرمایه‌داری اکثر عرصه‌های کاری به زنان اختصاص دارد و به همین دلیل است که می‌گوییم زنان متحمل ستم مضاعف می‌شوند. این کار با دستمزد نابرابر و شرایط کاری نابرابر است. زنان در عرصه‌های کاری مورد سوء استفاده‌های جنسی و استثمار شدید قرار می‌گیرند و حتی در بعضی موارد بر دستمزدهای خود حقی ندارند. تا بتوان به استقلال اقتصادی و درآمدن از زیر بار سلطه‌ی اقتصادی مردان امید بست.

۳ - همراه کردن مردان با خیل عظیم زنان برای پیمودن راه دشوار رسیدن به دموکراسی خانوادگی و اجتماعی است.

ویکتوریا آزاد این گام را مهم‌ترین گام می‌داند و مدعی است جنبش زنان بدون حضور مردان پیش نمی‌رود بدین معنی که مردان باید بخواهند که با زنان مشارکت کنند و در غیر این صورت دستیابی به برابری دشوار خواهد بود.

دست!!! سعاد آباد

گروه نقد فیلم

سعادت آباد برشی است از زندگی افشار مرفه ایران که سه زوج جوان آن را نمایندگی می‌کنند. فیلم، داستان زندگی کسانی است که اگرچه بسیاری از جوانان حسرت آن را دارند اما آنان نیز در مناسبات بیمار جامعه غرق شده‌اند. روزمره‌گی، خیانت، دروغ، تلاطم و استرس، ویژگی‌ها و حالاتی است که در شخصیت‌های داستان جلوه می‌کند تا بیننده را به شکننده بودن سعادت سعادت آبادی‌ها آگاه سازد. شاید بتوان گفت غیرواقعی بودن و حبایی بودن این سعادت در بهترین صحنه‌ی فیلم به خوبی نشان داده شده. لحظه‌ای که آرامش میز شام و مهمانان در کسر ثانیه‌ای که لیوان در دست یاسی می‌شکند همه چیز با هیاهویی محو به یکباره تغییر می‌کند. شخصیت‌های این فیلم چنان آشنا و باور پذیرند که گویی بارها این افراد را دیده‌ای و پیدا کردن ما به ازاء واقعی آنان دشوار نیست.

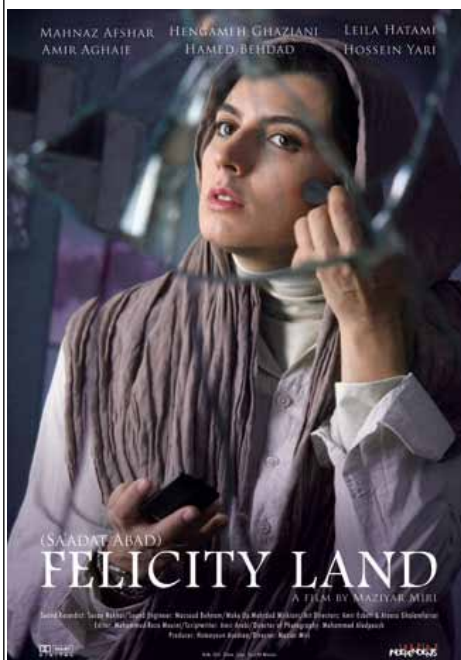
یاسی (لیلا حاتمی) زن خانه داری است که در روز تولد همسرش، دوستانشان را دعوت می‌کند تا در مهمانی که علی رغم بارداری و دست تنها بودنش آن را به راه انداخته، شرکت کنند و تا علاوه بر آنکه کنورت دعوی چند روز پیش با همسرش را از میان بردارد، روزهای خوش گذشته نه چندان دور را نیز تداعی کند. یاسی زنی است با تفکر سنتی در ظاهر مدرن یک زندگی مرفه. او که بعد از ازدواج به خواست همسرش و به دلیل عدم نیاز مالی، از اشتغال بیرون از منزل صرف نظر کرده، اکنون دغدغه مادری و همسر بودن برای او عمده است. زنی که گذر زمان و وقایع را با غذای ویژه اش می‌سنجد و امور مربوط به کار همسرش را با دقت و نگرانی اما از دور و در کسوت یک زن خانه دار دنبال می‌کند. شخصیت آرام و بردبار او، خرد مورد انتظار در جامعه ایرانی را از یک زن نجیب، خانه دار و نمونه و البته مطیع تداعی می‌کند که سعی در اداره امور زندگی خود و دوستانش را به بهترین نحو ممکن را دارد.

محسن (حامد بهداد) تاجر جوانی است که ویژگی‌های یک بازاری امروزی ایران را در او می‌بینیم. پرمشغله، خوشگذران، بی‌تعارف، سنتی، پرسر و زبان، بی‌توجه به مذهب و البته با سیاستی به نفع جیب. او یک شهروند واقعی است که برای او همه چیز در دنیا با پسوند «من» معنی می‌یابد. زن من، پول من، راحتی من و از همه مهم‌تر نفع من. ترکیب این شهروند بودن با سنت گرایی، بهتر از همه در نگاه ابزاری و بسستی‌ای او نسبت به همسرش مشهود است. او فشار کار و زندگی را با یاسی تقسیم می‌کند اما بیماری احتمالی او را به راحتی به فراموشی می‌سپارد و حتی روابط عاشقانه خارج از ازدواج را برای خود مجاز

می‌شمارد.

بهرام (حسین یاری) همکار و دوست محسن است. رابطه‌ی کاری محسن و بهرام که به سال‌ها پیش بر می‌گردد با آنکه از طرف محسن صادقانه نیست اما از سوی بهرام با از خودگذشتگی‌هایی همراه است. هر چند در خلال فیلم بیننده در می‌یابد که این بزرگواری‌ها نه به خاطر محسن بلکه ناشی از احساس بهرام به یاسی است که شاید از فرصتی از دست رفته یاد می‌کند. فرصت با یاسی بودن چه از طرف محسن از بهرام گرفته شده باشد و چه بهرام برای رسیدن به ثروت و جلال از طریق ازدواج با دختر رئیس از آن صرفنظر کرده باشد، باعث شده تا بهرام در سال‌های آخر جوانی آن را به دید افسوس بنگرد. این احساس هنوز چنان پررنگ و زنده است که کشف آن توسط همسر بهرام دشوار نیست.

تهمینه (هنگامه قاضیانی) بر خلاف دیگر دوستانش که به نظر می‌رسد خواستگاه اجتماعی از طبقه متوسط دارند، از طبقه مرفه است. او بعد از بازگشت از فرنگ و پشت سر نهادن ازدواجی که حاصل آن علاوه بر اندوه و سردرگمی، دو پسر است، بعد از سال‌ها زندگی در ایران قصد دارد به نزد آنان بازگردد. مغرور و در ظاهر متکی به نفس است؛ اما احساس سرخوردگی و شکست را در استعمال قرص‌های اعصابی که یاسی نیز مشابه



آنان را استفاده می‌کند می‌بینیم. او که اکنون به خوبی می‌داند رابطه اش با بهرام بر اساس یک دوراندیشی اقتصادی از طرف بهرام صورت گرفته از احساس او به یاسی نیز آزار می‌بیند و دیگر برای تداوم زندگی دلیلی نمی‌بیند. اما همسرش چنان این جدایی را جلوه می‌دهد که گویی در نابسامانی رابطه شان نقشی ندارد و تهمینه تنها برای ایفای نقش مادری خواهان پایان دادن به رابطه است. حال آنکه بی‌علاقگی و اینکه ساعت‌ها تهمینه را از خود بی‌خبر می‌گذارد (آن هم به گونه‌ای که گویی پای زن دیگری در میان است)

را نادیده می‌گیرد.

لاله (مهناز افشار) دوست و همکار قدیمی آنها، اکنون کارمند شرکت تهمینه و بهرام است. دختری مدرن، آگاه، توانمند و اجتماعی که به خوبی می‌داند از زندگی چه می‌خواهد اما او نیز قربانی مردسالاری جامعه است. لاله همسرش را به گونه‌ای انتخاب کرده که از منظر استاندارهای اجتماع بی‌نقص است. تحصیل کرده، محبوب، اخلاق‌گرا، مرفه و تا حدی مقبول از لحاظ ظاهر. اما چه سود که این ملاک‌ها ضامن خواست لاله مبنی بر استقلالش نیستند. او که نقش مادری را با سقط جنین‌اش به بعد موکول می‌کند تا به ماموریتی کاری به اروپا برود؛ مجبور شده با کمک یاسی و تهمینه و پنهان کردن از همسرش این کار را انجام دهد.

علی (امیر آقایی) همسر لاله نسبت به همسرش بیش از آنکه احساس دوستی و همدلی داشته باشد حس مالکیت دارد. همان احساسی که در اجتماع با کلماتی به نام غیرت و بددلی می‌شناسیم. علی بیش از آنکه به علایق لاله توجه کند به دنبال راه‌هایی است که هر چه بیشتر او را تابع خویش سازد. مرتباً از او می‌خواهد که کار خود را به کنار بگذارد و حتی برای این منظور امتیازاتی به لاله می‌دهد از جمله به نام کردن نیمی از خانه به نام لاله. او که نماد مردان تحصیل کرده اجتماع ماست با دست بلند کردن بر روی همسرش به بیننده یادآوری می‌کند که تحصیلات، آن هم در دانشگاه‌های امروز به معنی کسب شعور و آگاهی نیست. علی در اول فیلم با دریافت پیام کوتاهی که تمرکز را از او می‌گیرد همچون محسن و بهرام مضمون به خیانتی است که در فیلم آشکارا به آن پرداخته نمی‌شود. پیامی که در مورد محتوای آن به لاله توضیحی نمی‌دهد اما به خود اجازه می‌دهد از کوچکترین ارتباطات همسرش آگاه شود و حتی رفتار لاله با همکاران و دوستان مردش را مرتباً کنترل نماید. علی نه تنها سنتی که به شدت مذهبی است. این موضوع در سکانس‌هایی کاملاً پیدا است که بعد از فهمیدن موضوع سقط جنین بارها بر این مسئله تاکید می‌کند که لاله جواب خدا را چگونه باید بدهد و یاسی را با اصطلاحاتی مذهبی همچون حلال نکردن به فکر وامی‌دارد که شاید مرتکب اشتباه شده که به لاله کمک کرده است.

سعادت آباد به خوبی بخشی از درگیری‌ها و مشکلات اجتماعی ازدواج‌های ایرانی (بدون پرداختن به مسائل مالی که بخش بزرگی از مشکلات امروز جامعه است) را با محور قرار دادن زنان و مردان جوان نشان می‌دهد. زنانی که با چنگ و دندان برای اثبات بودنشان می‌جنگند، بیشترین فشار را متحمل می‌شود و از همه بدتر از طرف مردان زندگی‌شان به هیچ‌انگاشته می‌شوند.

ادامه در صفحه‌ی سه...

گزارش ارسالی

چندی پیش نخست وزیر ترکیه «نجف طیب اردوغان» از حزب عدالت و توسعه (آ.ک.پ) که حزب اسلام گرای ترکیه به شمار می رود علیه سقط جنین اظهار نظر کرد و آن را جنایت دانست و مخالفت خود را با سزایین اعلام نمود. شهردار آنکارا نیز که منتسب به همان حزب است اعلام کرد که زنی که مورد تجاوز قرار می گیرد و باردار می شود بهتر است خودکشی کند تا سقط جنین. سخنان اسلام گرایان موجب شد زنان ترکیه در

شهرهای مختلف به خیابان ها آمده و علیه آنان تظاهرات کنند. اگرچه تعداد این تظاهر کنندگان می باید بیش از این ها می بود اما همه معترف بودند که این تعداد بیش از آنی است که هر ساله برای ۸ مارس، روز جهانی زن به خیابان ها می آیند؛ و البته نباید فراموش کرد در کشوری که مسئله زنان به سنت بسیاری از کشورهای اسلامی که سنت ضد زن در آن ریشه دارد، مسئله ای انحرافی به شمار می رود و از این رو این تعداد تظاهر کننده در خور توجه بود.

تظاهرات در استامبول، ازمیر، آنکارا و چند شهر دیگر برگزار شد. مسیر تظاهرات آنکارا

از مقابل دانشگاه آنکارا واقع در ج.ب.ج شروع شد و تا چهار راه کلیج ادامه یافت و چیزی تقریب به هزار زن از پنجاه و هشت سازمان، حزب، گروه و یا به صورت انفرادی شرکت داشتند. تظاهر کنندگان از هر گروه سنی را شامل می شدند، دختران دانشجو، زنان شاغل، مادرانی جوان به همراه دختران کوچکشان. بر خلاف تظاهرات هایی که مردان نیز در آن شرکت دارند، اصرار خاصی برای پشت پرچم و نماد ویژه ای ایستادن برای زنان مطرح نبود. هر چند به طور حتم بسیاری از آنان بر سر موضعی که می تواند وجه افتراق آنان باشد کاملاً روشن اند، اما ایستادگی در مقابل یک دشمن واحد بر سر موضوعی چنین واضح نیاز برای هر گونه خط کشی و صف بندی را کمرنگ می کرد. علاوه بر جمعی که در خیابان شعار می دادند و پرچم و پلاکارد دست گرفته بودند، زنانی نیز بودند که از دو طرف خیابان برای تظاهر کنندگان دست تکان می دادند و آنان را تشویق می کردند. اما همه ی رهگذران موافق این حرکت نبودند، زنان محجبه ای که همراه مردانشان از کنار جمعیت می گذشتند در سکوت و با لبخندی حاکی از تحقیر زنان را نظاره گر بودند. زنانی که شمارشان با تبلیغات علنی و غیرعلنی اسلام گرایان رو به افزایش است.

عایشه زن جوان شاغلی است که رشد اسلام گرایی در ترکیه را برای حقوق زنان خطرناک می داند. در مورد وضعیت زنان در ایران بی اطلاع نیست و معتقد است که آنچه در ایران اتفاق افتاد در ترکیه نیز می تواند در سطحی دیگر رخ دهد. به

صراحت تضعیف برابری جنسیتی در ترکیه را بعد از قدرت گیری حزب آ.ک.پ تایید می کند. باور او بر این است که باید مقابل سخنانی از این دست ایستاد و با زن ستیزی اسلام گرایان مبارزه کرد. از من در مورد موضع و عقاید می پرسد و دلیل آمدنم به تظاهرات را. توضیح می دهم که ما هر آنچه انجام می دهیم مخفی و غیرقانونی است اما او این را به خوبی درک می کند ولی می خواهد در مورد موضع مان در مورد سقط جنین بداند. به او می گویم ما طرفدار حق سقط جنین برای زنان تحت هر شرایطی هستیم.

دختر جوان بعدی دانشجویی آنارکوفمینیست است. در دانشگاه آنکارا علوم سیاسی می خواند. او نیز معتقد است که سخنان اردوغان از باور اسلامی او ناشی می شود. به خوبی از خطر اسلام گرایان آگاه



است.

سومین دختر نیز دانشجوی علوم سیاسی از دانشگاه اوتو است. موضع او در مورد حجاب تقریباً همان موضع همیشگی زنان روشنفکر ترکیه است. حجاب اگر ایدئولوژیک نباشد خطرناک نیست. حجابی که زنی به سن مادر من دارد بخشی از عادت پوشش اوست و نباید به آن حساسیت نشان دهیم همان طور که بی حجابی ما نیز نباید زیر سوال برود. به او توضیح می دهم که حجاب به هر حال ایدئولوژی ویژه ای را نمایندگی می کند، حجاب نماد اسلامی است که زنان همواره در آن (علی رغم انکار روشنفکران دینی) جنس فرودست و دوم هستند و باید در مورد آن صحبت کرد. اما او حجاب ایدئولوژیک و غیر ایدئولوژیک را از هم جدا می کند. ولی هیچ راهی برای مقابله با حجاب ایدئولوژیک مطرح نمی کند. حتی شاخصی برای تمیز دادن آن از نوع دیگر حجاب ارائه نمی دهد.

سارا به تازگی از رشته توسعه که یکی از شاخه های علوم سیاسی است از دانشگاهی در سوئد در مقطع ارشد فارغ التحصیل شده. او نیز معتقد است که باید بخش های مطلوب اسلام را گرفت و دیگر قسمت هایی که موجب می شود بر اساس آن سخنانی نظیر حرف های اردوغان استدلال شود حذف گردد. روشی که از آن با عنوان «اصلاح» و «تجدید نظر» یاد می کند. سعی می کنم برای او توضیح دهم که از تفکری که مبنای آن ضد زن است نمی توان فمینیسم بیرون کشید اما او عمیقاً به این اصلاحات باور دارد. اصلاحاتی که برای ما ایرانیان

تداعی گر نام طیفی از به اصطلاح «روشنفکران»، معروف به روشنفکران دینی است. از او در مورد علی شریعتی می پرسم اما هیچ چیز در این باره نمی داند. توضیح می دهم که اندیشه های علی شریعتی مبنای نظریه های اسلام گرایان ترک در مواجهه با مسئله زن است. تفکری به شدت مرتجع و ضد زن با ادبیاتی فریبنده.

نفر بعدی زنی است که پلاک سرپرست به گردن آویخته. زنی مسن که از ظرافت های استاندارد شده برای یک زن در نظام مردسالار جهانی نشانی در او نیست. او ماجرا را دوباره شرح می دهد. معتقد است که حرف های افراد حزب آ.ک.پ ریشه در اسلام دارد و به واقع تفکر اسلامی را در تضاد با حقوق زنان می داند.

آخرین فرد زن میانسال عکاسی است که برچسب صورتی رنگی را که به شکل دست یک زن است به ما نشان می دهد و می گوید فمینیست های اسلامی در هر برنامه ای با ما هستند اما امروز به دلیل استفاده ی ما از این برچسب ها حاضر به شرکت نشدند. برچسب ها حاوی جمله ای کوتاه است به این مضمون که اختیار بدن زن در دست اوست. اما فمینیست اسلامی ها بر این باورند که اختیار بدن زن در دست خداست و این داستان صورتی اراده خداوند را به چالش می کشد.

در نهایت این تظاهرات و اعتراض ها مشابه، دولت را به عقب نشینی وادار کرد. شاید

اگر زنان در این روزهای گرم به خیابان های داغ نیامده بودند تا خشمشان را علنی کنند، امروز سقط جنین برای زنان ترکیه ممنوع شده بود. اما بسیاری که تاریخ زنان را فراتر از ترکیه می شناسند می دانند که با قدرت گیری هر چه بیشتر اسلام گرایان هر روز خطر از دست رفتن حقوق زنان بیشتر می شود. چیزی مشابه تاریخ زنان ایران که تظاهراتشان در روز زن (۸ مارس) ۱۳۵۷ باعث عقب نشینی خمینی برای اجباری کردن حجاب شد. اما بعدها با افزایش سرکوب ها و قدرت گیری اسلامی ها، خمینی حجاب را اجباری کرد و بسیاری حقوق دیگر را نیز از زنان سلب نمود. §

در خبرها مطلع شدیم که **آذر درخشان**، از فعالین سازمان زنان ۸ مارس پس از سالها مبارزه با بیماری سرطان در گذشت. این ضایعه را به رفقای او، خانواده اش و زنانی که او چراغ راهشان بود تسلیت می گوئیم. بدون شک فقدان او در جنبش زنان خلاءای بزرگ را ایجاد خواهد کرد. باشد که عصیانگران امروز بتوانند آذران فردای جنبش زنان باشند. §

اخبار ختران

رتبه نخست دانشگاه علامه در اسلامی شدن جایزه به دانشجویان محجبه

مهر: مدیر امور فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی از رتبه این دانشگاه در اسلامی شدن خیر داد و گفت: دانشجویان دختری که پوشش خود را تغییر دادند و حجاب خود را در دانشگاه رعایت کردند با بن‌های ۲۰ هزار تومانی تشویق شدند. مهدی میرزایی تبار افزود: دانشگاه علامه طباطبایی از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی رتبه نخست اسلامی شدن دانشگاه‌ها را به خود اختصاص داده است و یکی از برنامه‌هایی که دانشگاه در این راستا اجرایی کرد طرح حجاب و عفاف بود.

حجاب مانند کادو باید مقابل صاحبش باز شود

قدس آنلاین به نقل از دانشجو نوشت: «حجت الاسلام نقویان» در جمع استادان دانشگاه علوم پزشکی مشهد با تأکید بر مساله حجاب و عفاف زنان در جامعه گفته: کادو در مقابل صاحب آن باز می‌شود و حجاب نیز مانند کادو است که نباید در مقابل نامحرم قرار گیرد و باز شود. امروز به بهانه اینکه زن به عنوان نیمی از جامعه حق تحصیل دارد، وی را از خانه بیرون می‌آورند. من با تحصیل و شغل زنان مخالف نیستم؛ اما ریاضیدانان این مساله را حل کنند؛ که چرا امروز یک دختر برای به دست آوردن مدرک لیسانس کیلومترها با خانه خود فاصله دارد؛ چراکه این امر باعث به وجود آمدن مشکلات زیادی برای این دختر می‌شود.

امکان رصد تردد دانشجویان خوابگاهی دانشگاه آزاد توسط والدین

ایسنا: مدیرکل خدمات دانشجویی دانشگاه آزاد در خصوص سیاست‌های جدید دانشگاه برای رفت و آمد دانشجویان خوابگاهی، گفت: در برخی از



واحدهای دانشگاهی خانواده‌ها می‌توانند از طریق اینترنت زمان ورود و خروج فرزندان خود را رصد کنند. «طهمورث آقاجانی» افزود: در خیلی از خوابگاه‌ها دانشجویان دارای کارت ورود و خروج هستند و باید در هنگام عبور و مرور وضعیت خود را ثبت کنند. وی با بیان اینکه بر این اساس خانواده‌های انسان در برخی از واحدها از طریق اینترنت و برخی دیگر به صورت پیامک از وضعیت رفت و آمد فرزندان خود مطلع می‌شوند، اظهار کرد: البته در برخی از واحدها کارت‌هایی تعبیه شده تا حتی زمانی که دانشجو وارد دانشگاه می‌شود وضعیت آنها ثبت شود و خانواده‌ها از طریق اینترنت می‌توانند وضعیت

فرزندان خود را رصد کنند.

مدیرکل خدمات دانشجویی دانشگاه آزاد با تأکید بر اینکه تمامی تلاش ما بر این است که بتوانیم امنیت خاطر دانشجویان و خانواده آنان را فراهم کنیم، خاطر نشان کرد: در آیین نامه اسکان دانشجویان در خوابگاه‌ها کلیه موارد مختلف درج شده است. وی با اشاره به برنامه‌های دانشگاه آزاد در هفته خوابگاه، گفت: براساس دستورالعمل وزارت علوم هرساله دانشگاه آزاد برنامه‌های مختلفی برای این هفته در نظر می‌گیرد. وی با بیان اینکه برگزاری هفته خوابگاه موجب نشاط و شادابی، تعاون و همکاری در میان دانشجویان می‌شود، اظهار کرد: می‌توان با برنامه‌های متنوع در طول این یک هفته به اندازه یک سال به دانشجویان انرژی داد.

گام اجرایی نخست شورای تحول و ارتقای علوم انسانی رشته «مطالعات زنان» به «حقوق زن در اسلام» تبدیل شد

محمدحسین نجاتی: رشته «مطالعات زنان» در دانشگاه‌های کشور به رشته «حقوق زن در اسلام» تبدیل می‌شود. این اولین گام اجرایی اسلامی سازی علوم انسانی محسوب می‌شود. این مصوبه روز گذشته شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شورای متشکل از ۲۰ عضو حقیقی و حقوقی که ۱۲ نفر از آنان را روحانیون و فعالان حوزه‌های علمیه تشکیل می‌دهند. شورایی که ایستگاه آخر تصویب تغییرات در علوم انسانی است و مصوبات آن براساس قانون شورای عالی انقلاب فرهنگی در «اسرع وقت لازم‌الاجراست.» اعضای این شورا به ریاست «غلامعلی حدادعادل» عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی روز گذشته چگونگی تدوین و اصلاح سرفصل‌های دوره دکترای تخصصی رشته مطالعات زنان با گرایش حقوق زن در اسلام را ارایه کردند. این اقدام پس از پایان پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بازنگری در سرفصل‌های علوم انسانی و ورود دانشگاه‌های دولتی به خصوص دانشگاه علامه طباطبایی در بازنگری محتوایی دروس می‌گیرد. همچنین رشته مطالعات زنان و جایگزین شدن رشته «حقوق زن در اسلام» اولین گام شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی در تکمیل پروژه‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه علامه طباطبایی است. پیش از این وزارت علوم با همکاری دانشگاه‌های کشور و مراکز نظیر حوزه‌های علمیه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه علامه طباطبایی اقدام به تشکیل کارگروه‌هایی تخصصی برای بازنگری در علوم انسانی کرد و به موجب آن در نظر علوم انسانی و سایر رشته‌های دانشگاهی با شاخص‌های خاص خود را مورد بازنگری محتوایی قرار دهد. همچنین با رفع موانعی همچون نداشتن مصداق، میزان و نقشه راه در بازنگری علوم انسانی امروز مسوولان به سمت بازنگری سالانه چهارهزار سرفصل دروس دانشگاهی خیز برداشته‌اند. خیزشی که در نوع خود نشان‌دهنده اجرای فاز جدید از بازنگری در علوم انسانی و دروس دانشگاهی و ایجاد نگرانی‌هایی برای چگونگی بازنگری در رشته‌های دانشگاهی است. با این حال، غلامعلی حدادعادل در جلسه شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اینکه موضوع مطالعات زنان با رویکردی که هم‌اکنون در جهان رایج است با اسلام تعارض و تباین جدی دارد، عنوان کرد: «دشمن نیز با وقوف به این موضوع، هجمه از این موضع به اسلام را در دستور کار خود قرار داده است و متأسفانه در گذشته، این مباحث مقلدانه، بدون نقد و بررسی در دانشگاه‌های ما تدریس شدند و به همین دلیل شورای عالی انقلاب فرهنگی وارد موضوع شد تا در این مورد تجدید نظر اساسی صورت گیرد.» رییس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه با طرح این سوال که ابتدا باید به این سوال پاسخ دهیم که اصلاً دکترای رشته مطالعات زنان با چه هدفی تاسیس می‌شود و از دانش‌آموختگان این مقطع چه می‌خواهیم؟ اظهار کرد: «باید در کنار تدریس مباحث رایج در غرب، نقد و بررسی اجتهادی و به دور از خودباختگی در دانشگاه‌های ما رواج یابد، همچنین باید توجه داشته باشیم که این کار چالش ایجاد خواهد کرد، یعنی غرب به شدت در این موضوع حساس است و هر حرکتی در این زمینه را با دقت رصد خواهد کرد.» حدادعادل اضافه کرد: باید از منظر حقوقی هم به موضوع نگاه شود، یعنی معلوم شود که در نظام حقوقی اسلام، زن به‌عنوان

و قم در تمامی رشته‌های تحصیلی خود دختران و پسران را به طور مجزا پذیرش می‌کنند.

مساله‌ای که تا حد بسیار زیادی کیفیت پذیرش در دانشگاه‌های دولتی را تحت‌تضع قرار می‌دهد و دانشجویان را نه براساس میزان کسب رتبه و نمره بلکه با معیار جنسیتی آنها را جذب می‌کند. براساس آمار سازمان سنجش آموزش کشور از مجموع یک میلیون و ۱۷ هزار داوطلب شرکت‌کننده در آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۱، ۵۰۹ هزار و ۳۱۷ نفر زن و ۵۰۷ هزار و ۱۶۹ نفر مرد در آزمون ثبت‌نام کردند و تنها ۷۵۸ هزار و ۱۳ داوطلب در جلسه آزمون حاضر شده و حدود ۳۰۷ هزار داوطلب مجاز به انتخاب رشته شدند. براساس آمارهای سال گذشته درصد قبولی پسران در زیرگروه فنی و مهندسی بیش از دختران و درصد قبولی دختران در زیرگروه علوم انسانی بیش از پسران است. مساله‌ای که ثابت می‌کند اعمال این سیاست از سوی وزارت علوم و دانشگاه‌های دولتی و مادر کشور در زیرگروه علوم انسانی به ضرر دختران و در زیر گروه فنی و مهندسی به ضرر پسران تمام می‌شود.

باز هم علامه

از سوی دیگر در زیرگروه علوم انسانی تمامی رشته‌های درسی در دانشگاه‌های علامه طباطبایی، بوعلی‌سینا همدان، رازی کرمانشاه و دانشگاه قم اقدام به پذیرش جنسیتی می‌کنند. دانشگاه علامه طباطبایی به عنوان خط مقدم طرح‌های بحث‌برانگیز وزارت علوم در چند سال اخیر و اجرای طرح‌هایی همچون بازنشستگی استادان و تفکیک جنسیتی سهم بالایی در پذیرش جنسیتی در آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۱ دارد. سهم تنها دانشگاه علوم انسانی کشور از مجموع ۱۴۶ رشته‌ای که قرار است پذیرش جنسیتی شود بیش از ۸۹ رشته است. ۸۹ رشته‌ای که در طول چند سال اخیر بیش از پسران میزبان دختران بوده است و در صورت اعمال این سیاست سهم دختران از کرسی‌های کارشناسی‌ارشد دانشگاه علامه طباطبایی را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. همچنین دانشگاه‌های رازی کرمانشاه با ۲۷ رشته، بوعلی‌سینا همدان با هشت رشته، دانشگاه قم با ۱۴ رشته، دانشگاه لرستان با هشت رشته در علوم انسانی گام‌های دیگر در پذیرش جنسیتی دانشجویان برداشته‌اند. از دیگر اقدامات دانشگاه علامه برای استقبال از ورودی‌های جدید سال ۹۱ می‌توان به حذف کامل رشته مطالعات فرهنگی نیز اشاره کرد.

دیوار کوتاه دختران

با گذشت ۷۲ سال از تاسیس دانشگاه در ایران، تا سال ۱۳۷۷ همواره نسبت پسران راه‌یافته به دانشگاه از دختران بیشتر بود. پس از آن در سال ۷۷ برای نخستین بار دختران با اختصاص بیش از ۵۲ درصد ورودی دانشگاه‌های کشور چنین نسبتی را به نفع خود تغییر دادند. تاکنون در چند مرحله مقامات وزارت علوم، سازمان سنجش و برخی از مقامات دولتی خواستار اجرای سهمیه‌بندی جنسیتی برای محدود کردن ورود دختران به دانشگاه شده‌اند و در حال حاضر شش دانشگاه دولتی کشور دست به چنین اقدامی زده‌اند. اعمال سیاست‌های تفکیک جنسیتی که به گفته بسیاری از کارشناسان آموزشی کشور منجر به بی‌عدالتی آموزشی و تحمیل شرایط به دانشجویان با رتبه‌های بالاست، پیش از این نیز رگه‌هایی از آن در سیستم آموزش عالی کشور دیده می‌شد که با واکنش‌هایی نیز همراه بود. در اردیبهشت سال ۱۳۸۲، حسین رحیمی، رییس وقت سازمان سنجش اعلام کرد که در بعضی رشته‌ها پذیرش داوطلبان دختر به بیش از ۷۰ درصد رسیده است و قصد داریم ایجاد محدودیت ۵۰ درصدی در پذیرش دختران داشته باشیم که با ایجاد چنین محدودیتی مشکل سربازی داوطلبان پسر جبران خواهد شد. رییس وقت سازمان سنجش در سخنان خود همچنین گفت: «اگر سقف پذیرش جنسی در این رشته‌ها لحاظ نشود، نه تنها باعث حفظ تعادل در هرم جنسی دانشگاه‌ها می‌شود بلکه نوعی توازن جنسی در رشته‌های تحصیلی و تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به وجود می‌آورد.» پس از آن سهمیه‌بندی جنسیتی در کنکور سال ۱۳۸۳ برای سه رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی در نظر گرفته شد اما با مخالفت گسترده نمایندگان مجلس و فعالان جنبش زنان مواجه و سبب شد تا رییس‌جمهور وقت دستور لغو محدودیت پذیرش دختران در برخی رشته‌ها از سوی سازمان سنجش را صادر کند. این روند با افت و خیزهایی ادامه یافت تا

یک انسان، هم‌پای مرد دارای حقوق فردی و اجتماعی است همان‌گونه که مانند مرد می‌تواند پله‌های تکامل معنوی را ببیماید. باوجود اعلام استقلال وزارت علوم در بازنگری در علوم انسانی، تصویب تمامی اقدامات دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای بازنگری در علوم انسانی باید به تصویب اعضای شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد.

«حقوق زن در اسلام»، خروجی دانشگاه تربیت مدرس

سال گذشته با پایان یافتن ماموریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در بازنگری سرفصل‌های علوم انسانی، حجت‌الاسلام صدرالدین شریعتی، رییس دانشگاه علامه طباطبایی از سوی وزارت علوم مامور بازنگری در محتوا و منابع دروس رشته‌های علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی و سایر رشته‌های علوم انسانی شد. پس از آن بود که دانشگاه علامه طباطبایی بازنگری در رشته مطالعات زنان را به دانشگاه تربیت مدرس تهران واگذار کرد و سعید قدیمی مدیرکل دفتر گسترش وزارت علوم در گفت‌وگو با «شرق» با تایید این اقدام عنوان کرد: علوم اجتماعی را ما با توجه به حساسیت آن به صورت گرایش‌های مختلف به جاهای مختلفی واگذار کرده‌ایم و مطالعات زنان کارگروهش دیرتر شکل گرفت و عقب‌افتادگی داشت اما دانشگاه تربیت مدرس اصلاحات زیادی را به آن وارد کردند. او تاکید کرد: این رشته از این پس تحت عنوان مطالعات خانواده و حقوق زن در اسلام فعالیت می‌کند البته تعداد دانشجویان این رشته قابل مقایسه با علوم اجتماعی و روان‌شناسی نیست و حساسیت زیادی روی آن نیست.

بررسی راهنمای انتخاب رشته کارشناسی ارشد سال ۹۱ مشخص کرد سهمیه‌بندی جنسیتی در تمامی دروس ۶ دانشگاه دولتی



محمدحسین نجاتی: شش دانشگاه بزرگ و دولتی کشور در تمامی زیرگروه‌های درسی کارشناسی‌ارشد خود اقدام به پذیرش جنسیتی کرده‌اند. این اقدام با انتشار دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی‌ارشد سال ۹۱ مشخص شد. روز گذشته زمانی که متقاضیان مجاز به انتخاب رشته شده در آزمون کارشناسی‌ارشد به دفترچه راهنما مراجعه کردند، در بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی مهندسی عبارات «فقط زن» و «فقط مرد» را در مقابل نام رشته‌ها مشاهده کردند. اقدامی که با حجم بسیار بالایی خود تاکنون بی‌سابقه بوده است و اولین بار است که دانشگاه‌های کشور در این حجم اقدام به پذیرش جنسیتی دانشجویان می‌کنند. براساس بررسی‌های صورت گرفته شش دانشگاه مادر و دولتی کشور شامل دانشگاه‌های صنعتی اصفهان، رازی کرمانشاه، علامه طباطبایی تهران، لرستان، بوعلی‌سینا همدان

طالبان، دختران دانش آموز را مسموم کرد

فرانس پرس: پلیس افغانستان گزارش داد، ۱۶۰ دختر دانش آموز پس از مسموم شدن توسط طالبان در بیمارستانی محلی بستری شدند. «حافظ الله صفی»، مدیر اداره بهداشت تخار در شمال افغانستان گفت: این دختران پیش از انتقال به بیمارستان دچار سردرد، خواب‌آلودگی و حالت تهوع بودند. این سومین مورد از مسمومیت دختران دانش آموز افغان توسط طالبان است. مقام‌های افغان مظنون هستند داخل کلاس‌های درس این دختران یک ماده شیمیایی سمی پاشیده شده است. هفته گذشته نیز بیش از ۱۲۰ دختر و سه معلم آنان به دلیل مشابه مسموم شده بودند. طالبان مسوولیت حمله ۲۳ می را انکار کرد. یک روز پیش نیز ۴۰ دختر دانش آموز در یک مدرسه دیگر مسموم و به بیمارستان منتقل شدند. طالبان مخالف حضور دختران در مدارس است و بیشتر خواستار تعطیلی مدارس در شمال افغانستان شده بود.

فقدان پژوهش در بخش امنیت زنان

زهره الهیان، نماینده مجلس نهم نیز از عدم بررسی مسایل مربوط به امنیت زنان در مرکز پژوهش‌ها گلّه دارد و می‌گوید: «در تمام جرایم مرتبط به تجاوزهای گروهی که در سال‌های اخیر در کاشمر و خمینی شهر اتفاق افتاده بدون تردید مساله تعدی به زنان مطرح بوده و امنیت زنان نباید مغفول واقع شود. در این راستا در مجلس هشتم طرحی را به مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد دادیم اما متأسفانه مرکز به آن رسیدگی نکرده و امیدواریم که رسیدگی به وضعیت امنیت زنان بیش از اینها مورد توجه قرار بگیرد.» بختیاری، وزیر دادگستری نیز در همین زمینه معتقد است که قوه قضاییه در قبال جرم‌های خاص، تجاوز به عنف و شرارت‌های مسلحانه حساسیت‌های زیادی به خرج می‌دهد. به گفته او، رییس قوه قضاییه به صورت شفاف دستور داد با کسانی که جرایم آنها تهدیدی برای امنیت و عفت مردم است به صورت ویژه برخورد شود و این پرونده‌ها با نظارت خودشان مورد بررسی قرار گیرد. S

عصیان:

اخبار بالا قسمت کوچکی بود از وضعیتی که دختران و زنان در جامعه با آن مواجه‌اند. اگر با دقت خوانده باشید حکومت به شکل‌های مختلف برای سرکوب و عقب مانده نگهداشتن و فرمانبردار بودن زنان برنامه ریزی می‌کند. در هیچ جا ارحمان نمی‌گذارند. نه در دانشگاه، نه خیابان و نه خانه‌هایمان. همه اینها گویای یک نکته مهم است، اینکه صاحبان قدرت به خوبی به پتانسیل بالای زنان آگاهند و از هر راهی برای خاموش کردن آن استفاده می‌کنند. آنها خوب می‌دانند که اگر زنان آگاه شوند و این پتانسیل را باور کنند طوفانی به پا خواهد شد که هیچ مانعی را بر نمی‌تابد. به همین دلیل هزینه‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های سیاسی و ایدئولوژیک و فرهنگی و اجتماعی می‌کند تا این طوفان را در نطفه خفه کند و ما اگر نمی‌خواهیم به این وضعیت سرکوب و خفقان هر روزه تن بدهیم باید به پاخیزیم و بجنگیم. ما باید دریا شویم تا سیل پدید آید و هر ستم و بی‌عدالتی را ویران کند. اینها یک آرزو و غیر ممکن نیست چرا که تاریخ جهان و ایران بارها چنین واقعیت‌هایی را ثابت کرده است. ما باید جزیی از این سیل خروشان باشیم چرا که «از ما بهترانی» موجود نیستند که هزینه کنند و از بالا نازل شوند و ما را نجات دهند. S

آنکه در بهمن‌ماه ۱۳۸۵ تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرحی را به منظور کاهش ورود دختران به دانشگاه‌های کشور به مجلس ارایه کردند. این گروه از اعضای مجلس با اشاره به افزایش تعداد ورودی دختران نسبت به پسران که اکنون به ۶۵ درصد رسیده است آن را برای کشور «خطرناک» و برای قداست خانواده «نامناسب» توصیف کرده و اعلام کردند که قصد دارند با تصویب این طرح ورود دختران به دانشگاه را با محدودیت‌هایی مواجه کنند. در این میان نماینده لردگان در مجلس و از حامیان اصلی طرح محدود کردن ورود دختران به دانشگاه درباره علت ارایه این طرح به مجلس گفت: «وقتی دختران بدون اجازه همسر خود نمی‌توانند کار کنند و به شهرهای دور بروند، تخصص آنها به حال مملکت هیچ تاثیری ندارد!»

فرمانده «ناجا»: ۹۰۰ پرونده تجاوز در سال ۹۰ ثبت شد

شرق: به گفته مسوولان ناجا تا پیش از سال ۸۶ آمار دقیقی از وقوع تجاوز در ایران به دست نیامده اما نیروی انتظامی در سال‌های اخیر نسبت به اعلام آمار ثبت شده تجاوزها اقدام کرده است. در همین حال براساس اعلام



فرمانده ناجا، ۹۰۰ پرونده تجاوز در سال ۹۰ گزارش شده و پدیده تجاوز دیگر تهدیدی مختص زنان ایرانی نیست. اما سردار احمدی‌مقدم در ۲۷ خرداد سه سال پیش تاکید داشت که هدف اصلی متجاوزان به عنف، بانوان و دختران جوان هستند و حالا در دهه اول خرداد سال ۹۱ دیگر مردها هم از تهدیدی به نام تجاوز در امان نیستند. سالانه به طور میانگین حدود شش‌هزار جرم در کشور رخ می‌دهد و به گفته احمدی‌مقدم از این تعداد در سال گذشته ۹۰۰ پرونده تجاوز به عنف در کشور ایجاد شده و هنگامی که بحث تجاوز به عنف مطرح می‌شود، همگان تصور می‌کنند که این عمل تنها به زنان محدود می‌شود. احمدی‌مقدم که چندی پیش اعلام کرده بود آمار تجاوز به عنف در ایران رو به افزایش گذاشته، امروز از ثبت ۹۰۰ پرونده تجاوز در سال ۹۰ خبر می‌دهد. براساس آمار ارایه شده از سوی نیروی انتظامی، همچنین از سال ۸۶ تاکنون آمار تجاوز ۸۰۰ تا ۹۰۰ فقره ثبت شده که البته تعدادی نیز به دلیل حفظ آبرو ثبت نمی‌کنند.

۶۰ درصد آمار تجاوزها مربوط به مردان است

به گفته فرمانده ناجا، حدود ۴۰ درصد آمار تجاوز مربوط به زنان و ۶۰ درصد مربوط به لواط است که معمولاً علیه افراد زیر ۱۵ سال و با اغفال صورت می‌گیرد. فرمانده ناجا با بیان اینکه در حال حاضر آمارها صحیح‌تر از گذشته است، می‌گوید: «مجازات‌هایی که دادگاه برای مجرمان تجاوزات به عنف در نظر می‌گیرد، همیشه اعدام نیست و ممکن است به شلاق، زندان و جزای نقدی منجر شود. همچنین در بسیاری از موارد این اتهامات در دادگاه به عنوان تجاوز به عنف ثابت نمی‌شود و اثبات این مساله تا حدی پیچیده و سخت است. در نتیجه مجازات‌های پیش‌بینی شده نیز مجازات‌های قابل انتظار برای این جرایم نیست.» او با تاکید بر اینکه جرایم تجاوزات به عنف از بدترین نوع جرایم در کشور است، معتقد است زمینه‌های سوءاستفاده در جامعه باید کنترل شود و دستگاه قضایی نیز باید برخورد قاطع‌تری را با این مجرمان داشته باشد تا انعکاس این برخورد در جامعه موجب تادیب افراد شود.